

هنر غیر ممکن

برنامه‌ای که همواره به همت هنرمندان شجاع
و همه فن حریف نو می‌شود

لوسین - رنه دوون

تقریب یک یا دو سال، بسته به مورخی که به شرح و بسط آنها می‌پردازد، عملی است. گسرچه سوار کاری درون سیرک در نیمه دوم قرن نوزدهم به سرعت گسترش یافت، اما خیلی قبلتر از آن در آلفی تئاتر استلی (به مقاله صفحه ۴ نگاه کنید) و با برنامه‌های خنده آوری که روی اسب انجام می‌گرفت و با در سازهایی که به چابک سواران امکان می‌داد تا خود را برای برنامه بعد آماده کنند، شروع شده بود. اولین اسبهای تربیت شده برای نمایش کار زیادی برای اجرا نداشتند، اما همینکه در عرصه سیرک جمع شدند، به شکوهمندترین و زیباترین نمایش دهندگانی بدل گشتند که هنوز که هنوز است فخر سیرکهای بزرگ به شمار می‌آیند.

امروزه دیگر نمایشهای بزرگ با حدود شصت اسب در میدان مرسوم نیست و غالب نمایشها با حداکثر دوازده و گاه بیست و چهار اسب لغت انجام می‌گیرد که حرکات پیچیده‌ای را بدون خطا و با هماهنگی کامل به انجام می‌رسانند. برنامه‌های سنتی محبوب و مورد علاقه با شگردهای تازه‌ای که تحت هدایت نامرئی مربی اسبها صورت می‌گیرد شکوه و جلال بیشتری یافته است. این مربی دستورات خود را با حرکات و پیچ و تابهایی ارانه می‌کند که غالب تماشاگران متوجه آن نمی‌شوند. شگردهای نسبتاً جدیدی چون ایر سفیدی که از درون آن اسبهای فرنی کنی مربی سوتیسی به تدریج ظاهر می‌شوند و دورزن عقب عقب دسته جمعی اسبها، حرکات پایانی زیبایی‌اند که توسط الکسیس گروس پسر ابداع شده و به تدریج کلاسیک می‌شوند.

چابک سواران

در سیرک، آموزشگاه سواری و جبهه ارجمندی دارد که در مدارس سواری بی‌مانند است. این آموزشگاه با استفاده از شیوه‌های آموزشی که مورد انتقاد استادان آموزش دیده سوار کاری و سوار کاران خبره است، با مدیریت فرانسوا بوشر و شاگردش جیمز فیلیس آغاز به کار کرد و هنر آنها را در خدمت محوطه محدود سیرک گرفت و شگردهای تازه‌ای عرضه کرد که بعضی از آنها هنوز محبوبیت خود را از دست نداده‌اند. سوار کاری مخصوص سیرک با سوار کاری متداول فرق دارد. سوار کاری سیرک کاری نمایشی است. اما آسان نیست و امروزه هنرمندانی از مرد و زن در این رشته فعالیت می‌کنند که سخت به خود می‌بالند و جداً سوار کاران بسیار ماهری بر اسبهای شکوهمند خود که به دقت تمام تعلیم دیده‌اند به حساب می‌آیند. مستأفانه بسیاری از آموزش دیده‌های این آموزشگاه هم هستند که آبروی آموزشگاه را در صحنه سیرک می‌برند.

تشویق قرار می‌دهند. درست همانطور که می‌توان عاشق نقاشی بود اما نقاش نبود، می‌توان کار تربیت کننده‌ها را تحسین کرد بی‌آنکه دانست شامیبه نام شلاق بلندی است که او در بدو ورود به میدان آن را دور می‌اندازد تا به تماشاگران نشان دهد که برای کسب اطاعت از «شاگردان» خویش به شلاق نیازی ندارد.

دیدنیهای سواری

تاریخ هنر چابک سواری در سیرک با نقاط عطف بارزی مشخص است (از جمله با افتتاح آموزشگاه سواری در حدود سال ۱۸۲۰) که تعیین تاریخ این نقاط عطف با

پوستری که از اولین نمایش ژول لئوتار (۱۸۷۰ - ۱۸۴۸)، مخترع بندبازی، در سیرک ناپلئون پاریس در سال ۱۸۵۹ خیر می‌دهد. لئوتار در آغاز دشکهای زیادی بر کف سیرک پهن می‌کرد که امروزه به جای آن تور ایمنی نصب می‌شود.

CIRQUE NAPOLEON
Boulevard des Filles-du-Calvaire.
DEBUT du Gymnastique Toulousain LEOCARD fils
MERVEILLES GYMNASTIQUES
LES 2 VIRTUOUSES
LE TOURBILLON
PASTORALE EQUESTRE
FANTASIES CHINOISES
NOUVEAUX EXERCICES
LA PASSE DU PETIT CERCLE

برخلاف خود سیرک، که شخصاً به مدد تطابق خود با ذوق و سلیقه مردم هر کشور می‌تواند موفقیت خود را در کشورهای مختلف تثبیت کند، هنرهای عرضه شونده در میدان خاکاره‌ای آن تقریباً به طور یکسان در سراسر دنیا گسترش یافته است، که این مدیون تحرک فوق‌العاده و معروف «هنرمندان سیار» و عزم تمام هنرمندان برای تحت‌الشعاع قرار دادن هنر دیگر رقبا بوده است. از ابتدای قرن نوزدهم، روند پایدار تبادل هنر بین سیرکها برقرار بوده است. حرکات جالب و پرطرفدار فرانکونی در سیرک پاریس، در فصل بعد در لندن، کپنهاگ و سن پترزبورگ تکرار می‌شد.

ژول لئوتار تولوزی که در سیرک المپیک پاریس بندبازی را ابداع کرد و پیش از نمایش در پاریس ناشناس بود، در تمام کشورهای اروپا به اجرای نمایش پرداخت و دست آخر به آمریکا مهاجرت کرد. این بالاترین افتخار برای مرد جوانی است که در دوران امپراطوری دوم شهرتی نداشت و برای بی‌اعتنایی به ریشخندها، خود را «آنتینوس بندبازی» نامید.

تربیت کنندگان حیوانات وحشی که در حدود سال ۱۸۳۰ با به عرصه سیرک نهادند و چیره دستانی که کمی بعد تر ظاهر شدند، تنها هنرمندان بیگانه با سیرک به مفهوم قدیم آن نیستند که جذب و مقبول واقع شده باشند. نمونه‌های دیگری چون دو چرخه سواران ماهر هم هستند که در اوج سالهای اعتبار دو چرخه‌های قدیمی وارد سیرک شدند. اما تجربه نشان داده است که گرچه چنین هنرمندانی می‌توانند در موفقیت هر نمایشی سهمی داشته باشند، اما وجود آنها حتمی و غیر قابل اجتناب نیست: چهره‌های اساسی سیرک هنوز همانهایی‌اند که وقتی سیرک به عنوان یک سرگرمی مستقل کار خود را آغاز کرد، موجب اشتهار آن شدند، یعنی اسبها و آکروبات بازا.

در قرن گذشته شاعرترین مورخان سیرک آن را «معبد اسب» نام نهاده بودند و این تجلی هم بود از زنان چابک سواری که بر زینهای یک‌ببری سوار می‌شدند و در حد شهاب‌زده‌ها می‌درخشیدند. عاشقان سواری می‌دانستند که چه موقع فریاد تشویق برآوردند. امروزه اسب از عرصه زندگی روزمره مردم خارج شده است و چابک سوار نیز نادر است، اما هنر اسب سواری از انواع چابک سواری گرفته تا نمایشهای کلاسیک آموزشگاهی و هدایت اسب بدون سوار، هنوز ارج و قرب خود را از دست نداده است. مردم بی‌صبرانه منتظر شروع نمایش اسبها باقی می‌مانند، از آن استقبال می‌کنند و چابک سواران و اسبها را مورد

▶ رامیمایی روی طناب مرتفع، لاژنی (فرانسه) ۱۹۶۰.

و سی سال بود که انجام نمی شد.

جهش کنندگان و راهپیمایان روی طناب

گرچه هنر سوار کاری مشتریان موقری را که سیرک را مد روز کردند به نشاط می آورد، اما مدیران سیرکها به فوریت دریافتند که عمده تماشاگران، که بخش اعظم بلیتها را می خردند بیشتر علاقمند آکروبات بازی، حرکات جهشی و کسانی اند که روی طناب راه می روند تا چابک سواران. معلق زنان سال پیش، به تدریج به عنوان هنرمندان صاحب «قدرت و چابکی» معرفی شدند و از حاشیه به متن آمدند. بسیاری از آنان اشتها زیادی پیدا کردند، از جمله لوتسار، اریول دلفک (که می توانست پشتک بزند و در حالی که پاهایش را در جیبهایش فرو کرده بود به زمین باز گردد)، بلوندن هنرمندی که روی طناب راه می رفت و ریزلی که شگرد او به همین نام مشهور شد، شگردی که طی آن یک یا چند هنرمند در حالی که به پشت دراز کشیده اند، تعادل اعضای کوچکتر گروه را روی پاهای خود حفظ می کنند (به عکس رنگی صفحات وسط، پائین، سمت چپ نگاه کنید).

تمام این هنرمندان مقلدانی داشتند که می خواستند از الگوهای خود بهتر باشند. چنین رقابتی در سالهایی که حرفه ایها ترجیح می دادند از زویسارویی بسا یکدیگر بپرهیزند و در سر راه خود از شهری به شهر دیگر به طور تصادفی با هم برخورد می کردند وجود نداشت و ریشه آن را باید در گسترش چشمگیر هنر آکروبات که توسط بهترین بازیگران سیرک اجرا می شود جستجو کرد. اما اگر شیوه تمرین و آموزشی که بر سیرک حکمفرماست نبود، این گسترش و بهبود هرگز اینقدر چشمگیر و سریع نمی بود.

تمرینهای سیرک نیازمند اراده، صوری و شهامت است (گیلبرت هوک رام کننده حیوانات وحشی این سه اصل را سه کیفیت اساسی هنرمند خوب می خواند) و اگر کسی می خواهد آکروبات باز ماهر شود، باید دوره کار آموزی سخت و طولانی را بگذراند. او پیش از آنکه تخصص پیدا کند، باید بتواند در جهشها و حفظ تعادل روی زمین صاف به مهارت کامل برسد. انجام یک پشتک و واروی درست از حالت ایستاده ساکن یا ایستادن صحیح روی دست به مدت دو دقیقه، به حدود یکسال تمرین نیاز دارد. اما همینکه هنرمندی این مهارت را کسب کرد، دیگر هیچ عامل محدود کننده پیش روی او وجود نخواهد داشت و او می تواند خود را به یک رشته محدود نکند و در چند رشته به تمرین و کسب مهارت پردازد. این تنوع موجب نوآوری در آکروبات می شود که امروزه بیش از قرن گذشته مورد توجه است.

آکروبات بازهایی که سالهای بسیار از عمر خود را برای یادگیری یک شگرد «غیر ممکن» صرف می کنند

ژرژ استرلی استاد فلسفه در دانشگاه سوربن و مورخ آکروبات، به سال ۱۹۳۰ می نویسد: «در آکروبات کلام آخر هرگز ادا نمی شود و کمال وجود ندارد». ستایش ضمنی او از هنرمندان قرن گذشته امروزه هم به قوت خود باقی است. چون هنرمندان امروز جز حرکات قدیمی و خارق العاده هنرمندان گذشته نمی توانند کار جدیدی عرضه دارند، این است که آنها را با شگردهایی می آمیزند که از رشته های دیگر اخذ می کنند.

امروزه هنرمندانی که در متعادل نگهداشتن همکاران خود ماهرند، نه تنها روی زمین بلکه در حالی که روی طناب مرتفعی کله معلق زده اند یا صاف روی اسبی که چهار نعل می تازد ایستاده اند، به انجام چنین حرکاتی

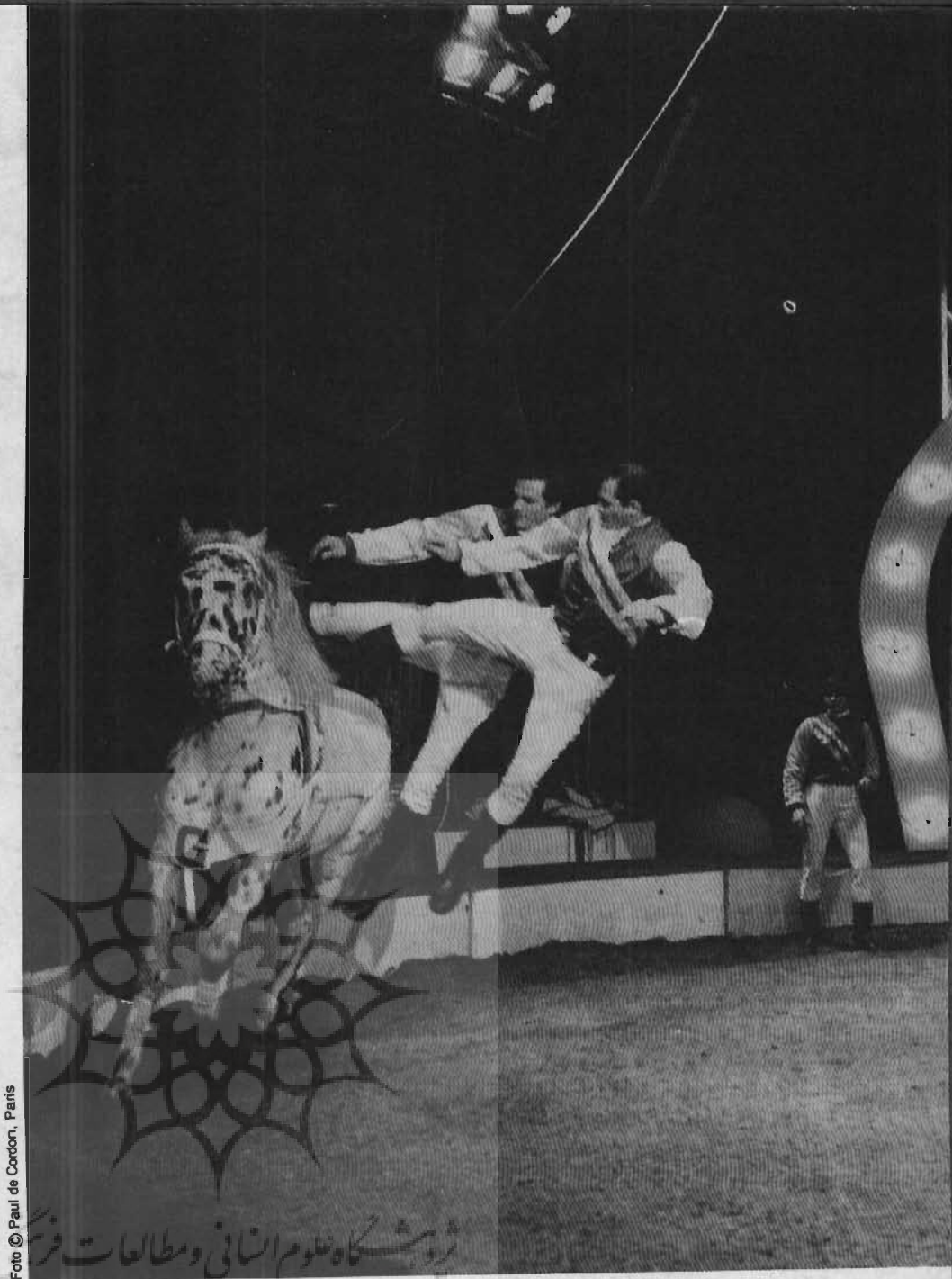


Foto © Paul de Cordom. Paris

آلکسیس گروس پسر، به اتفاق برادر خود پاتریک از روی اسب لغت به زمین می جهند و دوباره بر آن سوار می شوند. آن دو که سوارکار و آکروبات باز ماهر هستند این نمایش را که «سواری دو نفری بر اسب لغت» نام دارد در سیرک گروس در پاریس به مرحله اجرا در می آورند؛ برنامه های این سیرک به سبک قدیم اجرا می شود. در این نمایش، سوارکار حرکات آکروبات را با انجام حرکات تعادلی روی اسب ترکیب می کند.

توسط چه کسی اولین پشتک از اسبی به اسب دیگر به انجام رسید، اما وقتی این کار خطیر به سال ۱۹۳۰ توسط جو تاجن کورتلو چابک سوار فرانسوی - چینی در سیرک مدرانی پاریس انجام شد، حداقل پنجاه سال از عمر آن می گذشت. آن موقع این حرکت با هلهله و شادی روبرو شد و تا مدت ها در صدر حرکات تماشایی قرار گرفت.

امروزه تعداد چابک سواران سیرک کمتر از گذشته است، اما بهترین چابک سواران امروز با قدیمیها برابری می کنند. در اینکه شگردهای تازه ای ابداع و مطرح شود جای شک و تردید هست. در سالهای اخیر نوآوری عمدتاً متکی به بازگشت به سنتهای قدیمی بوده است. در یکی از این موارد، الکسیس گراس پسر به نحو جالب و پیرنشاطی شگرد فراموش شده «پیام آورسن پترزبورگ» را بار دیگر زنده کرده است. در این حرکت چابک سوار روی دو اسب که چهار نعل می تازند می ایستد و دوازده اسب به ترتیب از لای پاهای او عبور می کنند و او هر بار پال اسبها را نوازش می کند. این حرکت را اندرو داکرو ابداع کرده بود

بعضی حرکات سواری اساساً ریشه نظامی دارد، اما همین حرکات توسط چابک سواران سیرک اقتباس شد و به نمایشهایی کاملاً متفاوت با آنچه در دانشکده های نظامی تدریس می شد بدل گشت. در سیرک پرشها و جهشهای اسبها را با حرکات آکروباتی ترکیب کردند. این دو رشته متفاوت به تدریج در حال یکی شدن بود که در اواسط قرن نوزدهم، دو شگرد تازه و ابتکاری از آمریکا تمام اروپا را تسخیر کرد، یکی ولتیژ آلاریشار (voltage à la Richard) که روی اسب لغت انجام می شد و دیگری ایسم جوکی (Epsom Jockey) که آمیزه ای از انواع حرکت های جهشی و پرشی به همراه پرش سوارکار از اسب به زمین و پرش دوباره بر پشت اسب و متعاقب آن ایستادن روی اسب است.

از وقتی که دو یا سه سوارکار با هم حرکات ترکیبی ارائه کردند، شگردهای اسب سواری پیچیده تر شد و وقتی گروه های شش تا هشت نفری به تشکیل هر مه های خیره کننده روی چهار یا پنج اسب دست زدند، تماشاگران حیرت زده ماندند. اما کم کم کیسه شگردهای تازه ته می کشید. گرچه به طور قطع و یقین نمی دانیم که کجا، در چه زمانی و

تاشاگرانی پیاید که ارج و قرب کار را درک می کنند. سر نترس داشتن جزئی از کار نمایش در سیرک است. اما کسی به سیرک نمی رود که شاهد بخش و پلاندن هنرمندی بر عرصه سیرک شود. در نتیجه بعضی اقدامات احتیاطی، به نحوی که کیفیت کار آکروبات باز را ضایع نکند، پیش بینی می شود. با این همه هر چند که انجام برخی حرکات بدون استفاده از شگردهای توأم با فریب عملی نیست، حداقل باید امیدوار بود که تعدادشان زیاد نباشد و متقابلاً تحسین و تشویق را برای هنرمندانی حفظ کرد که به هنر خود عشق می ورزند و شعارشان احتمالاً این است که «کار من درخشش کمتری دارد، اما کلکی هم در کار نیست».

روایای شیرین

آیا هنر آکروبات در حال رشد است یا زوال؟ هیچ آکروبات بازی به این سؤال پاسخ نخواهد گفت. پیچیدگی روبه افزایش این حرکات، کار برد تجهیزات تازه و پیدایش فنون جدید موفقیت بازیگرانی را که در رشته های نه چندان چشمگیر و تماشایی کار می کنند با دشواری روبرو کرده است. هر چند که در حقیقت کار آنها به آکروبات ناب، که مستلزم بدنی قوی و جسمانی دقیق است، نزدیکتر است.

اما سیرک در درجه اول جایگاه کارهای خیره کننده و تماشایی است. تا به حال هیچ آکروبات بازی نتوانسته است از روی شانۀ دو نفر از همکاران خود به روی شانۀ گروه دیگری از همکاران خود که سه ردیف روی هم ایستاده اند بپرد و در واقع خود در ردیف چهارم قرار گیرد. اما به کمک الاکلنگ که دارای نیروی رانش زیادی است، می توان این پرش را تا ردیف پنجم و حتی ششم انجام داد. کدام یک از این دو حرکت شایسته تحسین بیشتری است؟ قضاوت در این زمینه مشکل است، چون تردیدی نیست که مورد دوم اثر خیره کننده بیشتری نسبت به مورد اول دارد. شاید این روند با اصالت زیاد جور نیاید، اما نباید مایه تعجب زیادی شود.

یک نکته محل تردید نیست: هر چند دستاوردهای گذشته را نمی توان با دستاوردهای امروز مقایسه کرد، باید پذیرفت که امروزها ارزش کمتری نسبت به دیروزها ندارند. کارهایی که در اوایل قرن غیر ممکن ارزیابی می شدند، از جمله حفظ تعادل سر روی سر بدون استفاده از بالشتک، امروزه اجرا می شود و کم کم عادی هم می گردد، آنریکو راستلی از اساتید حفظ تعادل با پا، که طبق گفته استرلی بی رقیب است، گوی سبقت را از قدیمیها ربوده است. وارو از جلو روی طناب که شگرد مشهور کن کولتانو در دهه ۱۹۳۰ بود، امروزه در فهرست برنامه تمام متخصصان این رشته قرار دارد. لویی مونویز یکی از این متخصصان به زیبایی و مهارت تمام این کار را به انجام می رساند.

چایک سواران، رام کنندگان حیوانات وحشی و آکروبات بازها در عرصه سیرک همیشه جوان می مانند و به لطف آنها سیرک، همان طور که ارنست همینگوی نوشته است، تنها نمایشی باقی می ماند که به تاشاگران خود این احساس را می دهد که شاهد یک رویای شیرین و زنده اند. برای دوست داشتن سیرک چه دلیلی بهتر از این؟ ■

لوسین - رنه دوون، روزنامه نگار و نویسنده فرانسوی است که در تدوین چاپ بازنگری شده کتاب تاریخ سیرک اثر هانری تار دست داشته و در سال ۱۹۵۹ سردبیر فصلنامه سیرک در جهان بوده است. این نشریه توسط باشگاه سیرک منتشر می شود که خود او مدیر عامل آن است. پیام یونسکو وظیفه خود می داند به خاطر کوششهای آقای دوون در گردآوری مقالات این شماره از ایشان سپاسگزاری کند.

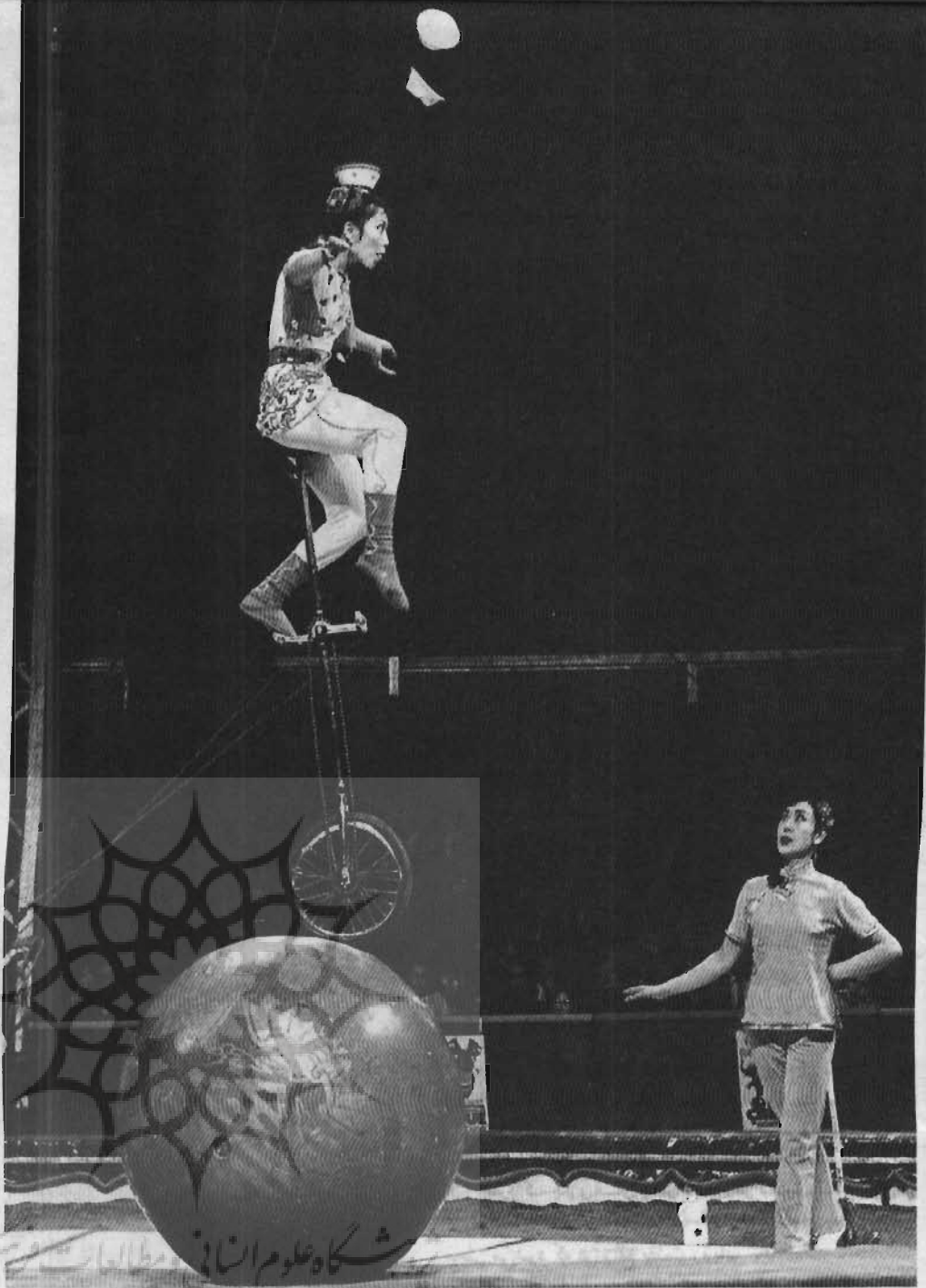


Foto © Roland Smulders, Utrecht

حساسترین لحظه یک حرکت نفس گیر، فوژیوبو در حالی که بر تک چرخ می سوار است و روی گوی غلغلی حفظ تعادل می کند. در حال اجرای حرکتی است که جایزه شهر موناکو را در دوازدهمین جشنواره بین المللی سیرک در مونت کارلو در ۱۹۸۷ برای او به ارمغان آورد.

می بردازند. معلق زنان از باهای جویی بلند سود می جویند یا از تخته فنی بهره می گیرند تا پرش خود را انجام دهند؛ بازیگرانی که بدنهای نرم و قابل انعطافی دارند به کمک همکاران خود دست به حرکتی می زنند که حتی کسل ترین تاشاگران را هم به وجد می آورد.

فوژیوبو در حالی که روی یک چرخه بلندی نشسته و با یک پای خود با می زند تا تعادل خود را روی گوی جویی بزرگی حفظ کند که با کوچکترین حرکت خطایی به حرکت در می آید، چهار کاسه را روی زانوی آزاد خود می گذارد و سپس آنها را یکی پس از دیگری به هوا می اندازد. کاسه ها در هوا چرخ می خورند و به نوبت درون کاسه دیگری که او قبلاً روی سر خود گذاشته است فرو می آیند. پس از چندی یک قوری و درپوش آن هم به همین ترتیب روی سر او می نشیند. این نمایش غیر ممکن به نظر می رسد. اما چه بسا که هنرمند دیگری با افزودن یک کار مشکلتر آن را جذابتر نیز بکند. در واقع وسوسه بهتر کردن یک حرکت همواره در سیرک وجود دارد. در سیرک نیز همچون استادیومهای ورزشی رکوردها برای شکسته شدن تعیین می شوند و

همواره هم رکورد شکنی هست.

فهرست شگردهای جدیدی که شاهد مدعای ذوق و استعداد باور نکردنی و توانایی ابتکار آمیز آکروبات باهاست بسیار طولانی است. آنان روایای اجرای کارهای غیر ممکن را در سر می پرورند. این کارها شاید سالها زحمت داشته باشد، ولی آنها حتما موفق خواهند شد، و گاه ناگهان همکاری که اصلاً انتظارش را نداشتند از آنها سبقت می گیرد و عیناً همان کار را به انجام می رساند. برخی از حرکات که با بیشترین تشویقها روبرو می شوند مورد تردید تماشاجیان واقع می شوند، زیرا شامل حرکات حیرت انگیزی هستند که در واقع آکروبات باز بدون استفاده از کمربند ایمنی، که در صورت رها شدن دست جان او را نجات خواهد داد، قادر به انجام آن نیست. در بعضی موارد که این کمربند امنیتی کمابیش قابل رویت به آکروبات باز می دهد، کار او از هر جذباتی بری است. خوشبختانه حرکات و شگردهای بسیاری وجود دارد که شایسته تشویق از ته قلبانند، هر چند که شاید چندان تأثیر گذار نباشند یا شایستگی هاشان تنها به نظر